بدون عنوان

شماره پرسش: ۴۱۲۰۵

تاریخ ارسال پرسش: ۰۶:۴۵:۵۰ ۱۴۰۴/۱۱/۲۸

متن پرسش

سلام: با توجه به نگرش های بی تاریخ و بدون در نظر گرفتن حق و باطل حرف هایی توسط متخصصین گفته می‌شود. مثلاً ۲۸ بهمن در برنامه تلویزیونی شبکه دو سیما دکتر هادی زینعلی متخصص نوحوان و جوان و معلم گفت: «این جوانی که در اعتراضات آمد ۲۰ برابر بیشتر تستسترون و هورمونها لبریز بوده و نباید آنها را دیگری خواند چرا آنها را از خود ندانیم (خلاصه حرف سفید شویی عمل آنها بود)». آیا با تقلیل میدانی که دشمن به جهت حمله و شبه کودتا کرده باید آن حمله را تقلیل به هورمون کرد؟! و آیا میلیون ها جوان انقلابی هورمون ندارند پس چرا آن خشم و هورمون و احساسات طبیعی را خرج تخریب_جنایت_ دزدی نمی‌کنند؟ و آیا این طبیعت حیوانی بشری چیزی نیست که در راه انتخابی انسانها مصرف می‌شود؟ می‌گویند فلان آدم معمولی در خیابان کشته شده، آیا مقصر اسرائیل نیست که شهر زندگی را تبدیل به میدان جنگ کرده و با پروژه کشته سازی قصد سوریه سازی ایران را داشت؟ و برفرض دشمن چنین کرد نباید خانواده امنیت فرزند خود را گوشزد می‌کرده که در میدان پر خطر چند روزی تردد نکن مثل اینکه شب چهارشنبه سوری نباید آدم در محل های ترقه برود تا آسیب از نادانها نبیند. می‌کویند فلان جوان رفته جلوی کلانتری و تیر خورده فارغ از اینکه گلوله از دشمن یا حتی گوله از پلیس بوده باشد آیا رفتنش جلوی کلانتری و در این میدان انتخاب خود نبوده؟ بسیار فکر کردم و با سابقه ای که از اغتشاشگران سراغ دارم آنها عمدتاً متجاوز یا اعمال غیر اخلاقی جنسی و غیر شرعی در طول عمر خود دارند، عمدتا معتاد بودند و از مواد مخدر بعنوان لذت استفاده می‌کرده و باز در اغتشاش استفاده کردند؛ تفکر نشان داد رابطه اغتشاشگران با جزیره اپستین یک ارتباط شخصیتی همانند است و شباهت بسیار است در زندگی و افکار و اعمال آنها. این میدان امتحان بود برای روشن شدن انتخاب آدم ها در میدان عمل و هرکس آنچه کرد که بوده. مواظب تقلیل دهندگان جنگ به احساسات سطحی باید باشیم. مردم چشم دارند ببینند چه شده اگر که نادان ها صحنه حق و باطل را به احساسات بی هویت تبدیل نکنند و جنگ بزرگ را نادیده نگیرند. ما همه مشکلات داریم با همین مشکلات و هورمونها! باز تن به اسرائیل و آمریکا ندادیم هرچند گرفتار مدرنیته و یهودی گری اجباری جوامع مان هستیم اما مخالف ذاتی و مقابله با آن در امکان انجام می‌کنیم. آدمی را چه می‌شود که این اندازه اصالت تقابل حق و باطل را به هر بهانه ای حتی بهانه های طبیعی نادیده گرفته و حتی تا پای بیچاره شدن توسط دشمن پای حق نمی ایستد؟! مگر این میدان عاشورای ما نیست که باید یزیدی یا حسینی بودن را انتخاب کنیم؟ انسانهای مقاومی می‌شناسم که تمام حقوق طبیعی از آنها توسط دشمنان گرفته شده به خدا قسم حتی حق راه رفتن را از

آنها گرفتند در زندانهای صهیونی حبس شدند ولی مقاومت کردند زیرا گفتند: إِنَّا لِلَّهِ وَإِنَّا إِلَيْهِ رَاجِعُونَ اصالت ما آن رجعت به سوی الله است حتی اگر میدان زیستن تنگ شده باشد و راهی جز نظر به اصالت مستحکم ذاتمان نداشته باشیم.

متن پاسخ

باسمه تعالی: سلام علیکم: آری! در عین آن‌که نباید جایگاه تقابل و مقابله‌ای که جریان اخیر با نظام مقدس جمهوری اسلامی داشت را، تقلیل دهیم و به گفتهٔ جنابعالی مقابلهٔ باطل با حق بود؛ از این نکته نیز نباید غفلت کرد که اگر بعضی از جوانان ما اغفال شدند ولی همچنان که رهبر معظم انقلاب با بصیرت تمام متذکر شدند، ما جایگاه آنان را جایگاه رهبران جریان اغتشاش نمی‌دانیم تا آن جایی که فرمودند: «دسته‌ی سوّم آن کسانی هستند که فریب خوردند، سادگی به خرج دادند، بی‌تجربه بودند، با فتنه‌گرها همراه شدند. من می‌خواهم بگویم آنها هم از ما هستند، آنها هم بچّه‌های ما هستند. یک عدّه‌ای از آنها هم پشیمان شدند. بعضی‌شان به من نامه نوشتند که ما آن روز آمدیم در خیابان و چه و چه و چه، ما را حلال کن! در زندان هم نبودند، آزاد بودند، [امّا] پشیمان شدند، اشتباه کردند. آن کسانی از اینها که کشته شدند، مسئولین آنها را هم شهید محسوب کردند؛ خوب کردند. بنابراین دایره‌ی جانباختگان ما که اینها را به عنوان «شهید» حساب می‌کنیم، دایره‌ی وسیعی است: بجز آن اصحاب فتنه و سردسته‌ها و کسانی که از دشمن پول گرفتند، اسلحه گرفتند، به غیر آنها، بقیّه: چه عناصر مدافع امنیّت، چه رهگذرها، و چه حتّی کسانی که با فتنه‌گرها چند قدمی حرکت کردند که اینها [هم] فرزندان ما هستند، و ما برای اینها طلب رحمت می‌کنیم، طلب مغفرت می‌کنیم؛ اشتباه کردند، خدای متعال از اشتباه اینها درگذرد؛ ان‌شاءالله.» ملاحظه بفرمایید که می‌فرمایند آن‌ها فرزندان ما هستند زیرا انگیزهٔ اصلی آن‌ها مقابله با ملت و ایران نبوده، مقابله با اشکالاتی بوده که ما از آن اشکالات مبری نبوده‌ایم. موفق باشید